

قیام 24 حوت در هرات

" . . . قیام خونین و ملی هرات اگر چه توسط سلاح های مدهش عصری و قساوت وحشیانه حزبی و سازمانی ها درهم شکست ، اما یکبار دیگر مردم افغانستان ثابت ساختند که مرگ را نسبت به غلامی ترجیح میدهند . . . "



زنتد باد حوادث نمی توان دیدن در این چمن که گلی بوده است یا سمنی

سوگمندان، که مزدبگیران استعمار، چنان سردر گمی را، در بیان حقایق و رویداد های تاریخی ما به وجود آورده اند، که تا امروز، ما قادر نشده ایم حتی رهبران واقعی نظامی، سیاسی و یا مذهبی خویش را بشناسیم . از دل و جان به آنها باور داشته باشیم، دور او جمع و پیشوایی شانرا را با جان و دل پذیرا شویم .

همین وضع باعث شده تا سرزمین ما به بتخانه شباهت پیدا کند که هر قوم و قبیله ای در آن بت خویش را بپرستد . دردناک تر اینکه این همه بت ها ، باتیشه ای کاهنان اجنبی برای پرسیدن ما تراشیده شده است . این بدان معنی نیست که ما در گذشته و حال ، رهبر و پیشوایانی نداشته ایم ، نخیر. مادر این آب و خاک ، هزاران قهرمان و پیشوا در دامن خویش پرورده است .

اما از آنجایی که گفته آمد، استعمار و ایادی آن، چنان این چهره های تابناک را به تاریکی ها فرو برده اند که تو گویی :
در این چمن نه گلی بوده است و نی سمنی .

باری دردناکتر و اندوه بارتر اینکه : نسل امروزین ما با وصف آنکه سه دهه خون و آتش را با گوشت و پوست خویش لمس کرده اند، با چشمان خود دیده اند، که صد ها قهرمان سرزمین ما در این سه دهه ای خون آتش از دروازه تاریخ سر بلند گذشتند، بی آنکه به هیچ دشمن و بیگانه ای سر وابستگی و غلامی خم کنند . مگر در فرجام .. چی بگویم ..

بلی همین حالا به جای پیشوایان سر بلند حماسه های خونین سه دهه اخیر ، دشمنان و مزدبگیران اجنبی، قراریکه گفته شد برای ما خود بت های بر رنگ و شمایل (قهرمانان و پیشوایان) تراشیده اند .

قیام 24 حوت هرات هم از این دست حوادثی است که تا حال ، حقایق ، عناصر بوجود آورنده و قهرمانان حقیقی آن در هاله ای از غبار بیچانیده شده است به هر حال .

تا جایی که امکان میسر است، در این مختصر بیشتر به شرح وقایع نظامی این خیزش پرداخته میشود . به امید آنکه در آینده حقایق به صورت کامل در تمامی رویداد های خوب زشت سرزمین ما روشن گردد ، تا مردم و آیندگان ما در پرتو آن آینده خویش را نیک بنگرند و استوار بسازند . به امید چنین روزی

قیام 24 حوت در هرات 1357 خورشیدی

با روشن شدن ماهیت ضد ملی و ضد انسانی رژیم مزدور، بعد از کودتای ثور 57، مردم افغانستان در هر کوی و برزن جهت بر چین رژیم و طومار بادارانشان (روسها) دست به کار شدند . در این هنگام هر مسجد و مدرسه، هر دفتر و دیوان هر کاغوش و قوماندانی و خلاصه هر خانه و هر کوچه ، محل جلسات فرزندان صادق سرزمین ما "افغانستان" جهت پیدا کردن راه های موثر برای سر نگونی رژیم ضد ملی "خلق و پرچم" گردیده بود . سر انجام ملت و مردم ما آماده قیام شده و اولین جرقه های انقلاب ملی در میان دره های زیبا و دشوار گذار "کنر و نورستان" به تلالو برخاست و زبانه های آن سراسر افغانستانرا فرا گرفت .

منسوبین با شرف اردوی افغانستان که بیشتر از دیگران در گیر حلقه های جنایات مزدوران روس قرارگرفته بودند، در هر قدمه و قطعه با وصف همه خطرات و مشکلات به شور آمده و مسؤولیت ملی و تاریخی شانرا در این برهه زمان رفع ساختند، که قیام "فرقه جلال آباد" ، قیام "فرقه نهرین" ، قیام "بالاحصار کابل" ، "قیام غند کوهی اسمار" ، قیام "پکتیا" ، قیام "لوای" حسین کوت" قیام پیلوتان " میدان هوایی شیندند " را میتوان مشت نمونه خروار مثال زد.

و اما قیام بیست و چهارم حوت هرات

فرقه 17 هرات به جهت موقعیت خود در سرحد ، یکی از قطعات کامل اردوی افغانستان به حساب آمده ، که مزید برجزو تامهای پیاده، دارای قطعات زره دار، مخابره ، توپچی و مدافعه هوایی بود ، که در سطح اردوی افغانستان یک فرقه کاملاً مجهز و مکمل شمرده میشد . بعد از کودتای ثور در رأس این فرقه "سید مکرم" یکی از سازمانی های وابسته به روس که از نظر فهم اجتماعی و حتی نظامی در سطح پایین قرار داشت ، به کار گماشته شد . قساوت قلب و بی پروایی این شخص ، مانند اکثریت سازمانی ها ، در مقابل مسایل فرهنگی و ملی احساسات منسوبین فرقه را جریحه دار میساخت .

موازی با او در ساحه ملکی "نظیف الله نهضت" والی منسوبه رژیم ، با جمع دیگر از نو به دولت رسیدگان ، با حرکات جاهلانه و ظالمانه خویش، مردم را به طغیان وامیداشتند و هر روز بیشتر از روز دیگر ، این نفرت و انزجار فزونی یافته و زمینه یک جنبش سرتاسری را آماده میساخت .
بلی :

زمانیکه استخبارات رژیم از نا رضایتی و نفرت مردم و منسوبین فرقه علیه دولت و گماشتگان شان اطلاع یافتند ، تمام جزواتهای فرقه را از "زلمی کوت" بیرون و بصورت پراکنده در دامنه های "تخت صفر" جابجاء نمودند . تا از حرکات احتمالی علیه خویش جلوگیری کرده بتوانند .

با وصف چنین اوضاع، جلسات و دید وادید ها جهت سقوط رژیم مزدور در فرقه هرات و در خارج از آن جریان داشت .

جلسات نظامیان ضد رژیم بیشتر در منزل دگرمن "نور محمد خان" قندهاری و جگرن "شمشیر" خان کنری صورت میگرفت ، که مزید بر این دو رهبر، سر سپردگان دیگر مانند : دگرمن میرعلم خان صافی ، جگرن داوود خان افریدی ، تانکیست فردوس خان کنری ، جگرن شایسته خان ، غلام رسول خان بلوچ ، تورن اسماعیل خان هراتی ، تورن علاوالدین خان ، لمری بریدمن خلیل خان کرخ ، لمری بریدمن بصیر خان در آن شرکت میکردند .

موازی با فعالیت های نظامیان ضد رژیم در ساحه ملکی نیز گردهمایی های بدین منظور در جریان بود ، تا جاییکه منابع موجود ذکر کرده ، خانه و باغچه "محمد افضل خان شهیر" یکی از پایگاههای ضد رژیم بود که اکثرا در اینجا ، مولوی عبدالعزیز، خطیب مسجد جامع هرات ، قاری ابوبکر مدیر معارف آن ولایت ، حاجی عبدالسلام غوریانی ، سید اسحاق دلجو ، غلام رسول احراری گرد هم می آمدند .
در این وقت ولایت هرات در اثر چنین فعالیت ها به انبار باروتی شباهت داشت که منتظر یک جرقه حریق بود .

زمانیکه زمستان 1357 به پایان خود نزدیک میشد، همگام با شکسته شدن سردی هوا ، غرش رسیدن توفان انقلاب ملی در هرات ، همانند دره نورستان و کنر به گوشها طنین انداز شد .
در قریه سلیمی، قریه غوریان، پشتون زرغون ، زنده جان و دره گنره ، علایم مقاومت عملی هویدا گردید .
چون رژیم کودتای وابسته به روس سرمست قدرت بود و اتکاه به بادار داشت ، جوابش فقط گلوله و آتش بود .
و دیگر هیچ ...

و اما جرقه انقلاب !

جرقه اصلی انقلاب و خیزش هرات در 23 حوت 1357 هجری به غریو و آتشفشانی برخاست و آغازش چنین بود :

زمانیکه به بریدمن "خلیل خان" امر بطریه توپ از طرف مشاور روسی فرقه هرات امر میگردد که " دره گنره " را زیر ضربات گلوله قرار دهد ، خلیل خان از امر سرپیچی کرده جواب میدهد که بالای مردم بیدفاع نمی توانم آتش کنم . وقتی به تحکم مشاور روسی مواجه میگردد ، احساسات ملی و نظامی او بر انگیزته شده ، به سرعت انگشت بالای ماشه ماشیندار گذاشته و مشاور را به گلوله می بندد .
به تعقیب آن امر میکند که بطریه توپ را به استقامت منازل رهایشی مشاورین روس جابجاء ، و آنجا را زیر ضربات آتش قرار دهند .

این حرکت متهورانه خلیل خان چون امواج توفان به همه جا مینبچد و هرات با ستان را به لرزه می آورد ، اولاً باشندگان " گنره " که تعداد شان به دو هزار نفر میرسد، همانشب را در جنگلی گرد آمده ، به شور و کنگاش می پردازند ...

فردا 24 حوت بعد از ادای نماز ، با بیرق های سفید و شعارهای ملی و اسلامی به رهبری "گل محمد تیزیابی و مولوی صالح محمد " به طرف مرکز شهر مارش میکنند .

دسته جات دیگر مردم از ولسوالی انجیل به شهر رو آورده و اهالی مرکز شهر که در راس شان "حاجی جلال الدین مهمند ، سید فغفور ، پهلوان محمد علی و ارباب غلام رضا" قرار دارند به مارش کنندگان می پیوندند .

در این مهمه و غریو، حزبی ها به امر مشاورین روسی بروی انبوه مردم آتش باز کرده ، که در نتیجه تعدادی از مردم تلف میشوند ، مگر مردم از مقاومت دست نکشیده ، با سنگ و چوب به مقابله و مقاومت ادامه میدهند .

حینی که زد و خورد در شهر میان مردم و سازمانی ها در جریان بود ، نظامیان سر سپرده مردم به سرعت دست به کار شدند .

نخست سه نفر صاحب منصب به قومانده " جکتورن هادی خان تره خیلی " ، در حالیکه ماشیندار به دست دارند ، به تالار طعام خوری صاحب منصبان " زلمی کوت " وارد شده ، افسران روس و سازمانی هایی را که در آنجا برای جلسه جمع شده و تعداد شان به شصت نفر میرسید، به آتش بستند . سپس جگرن شمشیر خان با افراد معینی و وسایل تحت قومانده اش داخل شهر شده ، به دفع و طرد تانکها و زرهپوش های سازمانی ها ، که علیه مردم ملکی داخل جنگ شده بودند ، پرداخت .

همزمان "دگرمن میر علم خان صافی" قوماندان 28 توپچی ، مرکز قوماندانی در "باغ فرامز خان" و مرکز ولایت را هدف گلوله های توپ قرار میدهد .

که در نتیجه این آتش ، قوماندان فرقه ، والی منسوبه رژیم با مشاورین خود ، نخست به میدان هوایی هرات و از آنجا به "شیندند" فرار نمودند .

بعد از انجام این عملیه ، رهبران نظامی قیام، دیپو های سلاح را کشوده و مردم را مسلح ساختند .

روز 25 و 26 حوت در هرات اوج قیام بود . در این مدت تمامی مراکز مقاومت سازمانی ها در هم کوبیده شد ، اکثریت آنها به شمول پنجاه نفر مشاور روس به قتل رسیدند ، نظامیان به همکاری مردم نقاط حاکم شهر را با توپ و ماشیندار های ثقیل استحکام بخشیدند و شهر بکلی از لوٹ روس و وابستگانش پاک ساخته شد ..

اما .. 27 حوت 1357

دولت ضد ملی وابسته به روس از این حرکت عمومی مردم سراسیمه شده و کابوس شکست و نابودی، رگ رگ آنها و بادار شانرا به لرزه در آورد. "ترکی" به عجله با "بریژنف" در تماس آمده و خواهان گسیل سربازان روسی و بمباردمان مناطق آزاد شده گردید .

سرانجام مشاورین ارشد نظامی و سیاسی روس با همکاری مزدوران خویش دست به چنین حيله و تزویری زدند :

نخست یک قطعه مجهز زره دار در حالیکه با بیرقهای سبز و کلمه شهادت مزین ساخته شده بود، از قندهار به طرف هرات سوق داده شد .

همزمان با نزدیک شدن آنها به دروازه شهر هرات ، دو "هلیکوپتر توپدار" به عین شکل "تزیین کلمه شهادت" بر فراز شهر هرات ظاهر شده ، تا مردم و سپاهیان فاتح بدین باور شوند که قطعات دیگر قیام کننده با آنها پیوسته است. مردم و نظامیان هم فریفته این صحنه سازی شدند ... لهذا عوض مقابله به استقبال آنها شتافتند .

وقتی تانکها داخل شهر شده و نزدیک " زلمی کوت " رسیدند ، یکباره علیه مردم و نظامیان قیام کننده آتش کشودند ...

همزمان طیارات بم افکن از میدان هوایی شیندند و خاک شوروی وقت ، به پرواز آمده و با بمباری شدید و بی امان ، ابتکار عمل را از قیام کنندگان گرفتند .

با آنهم مردم عادی و نظامیان قیام کننده با فداکاری و روحیه بلند به مقابله ادامه میدادند ...

اما آتش ثقیل تانکهای مهاجم و بمبارد بیدریغ طیارات ، تلفات سنگینی به بار آورد . اکثریت قیام کنندگان نظامی و ملکی در این جنگ به شهادت رسیدند که "دگرمن نورمحمد خان" نیز از جمله شهدا در این روز بود .

بعضی از رهبران نظامی این قیام مانند تورن اسماعیل خان و علاوالدین خان که عرصه را تنگ یافتند ، به تپه های مجاور پناه برده بعدها به تشکیل گروه های چریکی پرداختند .

در 29 حوت ، ایادی رژیم به کمک مسقیم روسها بر شهر هرات مسلط گردیدند ...

و به اینگونه قیام ملی و خونین 24 حوت بعد از پنج روز تلاطم در هم شکسته شد .

بعد از استقرار دو باره رژیم در شهر هرات، دستگیری ها کتله ای اعم از اهالی ملکی و نظامی آغاز گردید، گرفتار شده گان بعد از شکنجه های غیر انسانی دسته جمعی تیرباران شده و به حفره های بزرگ که قبلا احداث شده بود روی هم انبار میشدند .

در این قیام و اعدامها حدودا میان 25 هزار تا 45 هزار افراد ملکی و نظامی که به هر نقطه افغانستان تعلق داشتند از بین برده شدند .

چون رژیم وابسته به روس از این قیام سرتاسری که در آن نظامیان با برادران ملکی شان شانه به شانه، به خاطر طرد استعمار و اسارت تشریک مساعی نموده بودند ، دچار خوف و واهمه شده جهت جلوگیری از تکرار چنین خیزش ، دست به دستگیری های وسیعی ، در اردو زدند .

تنها در این برهه از زمان (24 حوت الی 27) در قطعات قوای مرکز به تعداد حدودا 1200 نفر صاحب منصب گرفتار و به زندان پلچرخی و دیگر زندانهای مرکز سپرده شدند ...
به هر حال . قیام خونین و ملی هرات اگر چه توسط سلاح های مدش عصری و قساوت وحشیانه حزبی و سازمانی ها در هم شکست ، اما یکبار دیگر مردم افغانستان ثابت ساختند که مرگ را نسبت به غلامی ترجیح میدهند .

یاد شهدای قیام هرات گرامی و روان شان شاد باد .

###

تذکار :

فهرست اسمای نظامیانی که ذکر گردید ، مکمل نبوده ، امید با دسترسی به اسناد و شواهد بیشتر در آینده ، نام و هویت بیشتر این جانبازان راه آزادی ، درج تاریخ خونین سر زمین ما گردد .

